

## نقش روابط تجاری و اقتصادی در سیاست خارجی ایران نسبت به سوریه (۲۰۲۰-۲۰۱۵)

سید محمدرضا موسوی<sup>۱</sup>، رامین بخشی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۲

### چکیده:

روابط سوریه و ایران بیش از ۳۴ سال است که در چشم انداز سیاسی خاورمیانه یک ویژگی پایدار بوده است. اتحاد ایران سوریه یکی از مؤلفه‌های شکل دهنده نظم منطقه‌ای خاورمیانه است. اتحاد سیاسی بین سوریه و ایران از طریق درک مشترک تهدید، همگرایی منافع در لبنان و عراق، و دیدگاه مشترک در مورد فلسطین، اسرائیل و ایالات متحده، خود را حفظ کرده است. این مشارکت استراتژیک از طریق کمک‌های متقابل اقتصادی، دیپلماتیک و سیاسی در تأمین نیازهای استراتژیک یکدیگر هدایت شده است. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین هویت و منافع مادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به سوریه در بازه زمانی (۲۰۱۵-۲۰۲۰) می‌باشد. در این تحقیق رابطه پیچیده بین هویت و منافع مادی که به صورت متقابل قوام می‌یابند، برای درک عوامل چندوجهی که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در قبال سوریه شکل می‌دهد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در حالی که هویت منطقه‌ای ایران در چارچوب ایدئولوژی شیعی-اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد، منافع مادی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای معمولاً نادیده گرفته می‌شود. مقاله حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که هویت و منافع چه تاثیری بر سیاست خارجی ایران نسبت به سوریه داشته است؟ فرضیه اصلی مقاله عبارتست از این که نزدیکی فرهنگی و هویتی به جمهوری اسلامی کمک می‌کند تا با صادرات کالاهای غیر نفتی خود به سوریه، که در آنجا از قدرت نرم و سخت برخوردار است اما حوزه نفوذ اقتصادی محدود دارد، اقتصاد خود را تنوع بخشد. این مقاله از طریق رویکرد سازه‌نگاری انتقادی، محرکهای اقتصادی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به سوریه را مورد بررسی قرار خواهد داد.

**واژگان اصلی:** هویت، منافع، سیاست خارجی، ایران، سوریه، خاورمیانه.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)

smr.mousavi@kut.ac.ir

۲. دانش آموخته دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

## مقدمه

اهمیت استراتژیک سوریه به عنوان تنها متحد جدی و قابل اتکای ایران در منطقه و حتی در کل جامعه بین‌المللی کاملاً روشن است. علاوه بر نقش تسهیل‌کنندگی در روابط ایران با جهان عرب (پیش از آغاز جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱)، دمشق همواره به منزله یک راه ارتباطی امن، دسترسی جمهوری اسلامی را چه از لحاظ نظامی، حمایت اقتصادی و پشتیبانی سیاسی به گروه‌های مورد حمایتش در حوزه پیرامونی اسرائیل به ویژه حزب الله لبنان فراهم کرده است. از این جهت، شاید بتوان گفت که سوریه سنگ بنای عمق استراتژیک ایران و سکوی پرتاب آن از لحاظ اعمال نفوذ در منطقه خاورمیانه به شمار می‌رود. بنابراین یکی از دلایل اصلی و شاید مهمترین عامل اهمیت رژیم سوریه برای ایران تأثیر روانی آن بر ساختار اتحادها و متحدان منطقه‌ای و بین‌المللی ایران است. در رابطه با تعامل هویت و منافع که اساس تحلیل روابط ایران و سوریه در این مقاله می‌باشد؛ باید گفت که ساختار نظام بین‌الملل و رفتار سیاست خارجی کشورها امری از پیش تعیین شده نیست، بلکه امری برآمده از تعامل دائمی ساختارها و بازیگرانی است که بر اساس معانی ذهنی خود دست به کنش می‌زنند و در نهایت در یک ذهنیت مشترک، واقعیت را می‌سازند. در واقع هویت و منافع به صورت متقابل قوام می‌یابند و سیاست خارجی دولت‌ها را نمی‌توان بدون درک آن‌ها در متن رابطه پیچیده و چند جانبه بین هر دو متغیر استنباط کرد. ساخت‌های اجتماعی ایران در خاورمیانه و هویت‌های تاریخی مناطق و بازیگران اولویت بندی شده از منافع و مزیت‌های اقتصادی این مناطق و بازیگران تشکیل‌دهنده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران جدا نیست بلکه در ساخت و تشکیل آن نقش دارند. از این رو ساخت‌های اجتماعی بخشی از نحوه تعریف سیاست‌گذاران ایرانی و ساخت هویت آنهاست که محصول یک فرآیند تاریخی ترسیم شده است که منافع مادی بخشی از آن هستند.

این منطقی که در بیش از یک دهه گذشته تاکنون در محافل علمی مطرح است، به این واقعیت اساسی برمی‌گردد که بازی قدرت در خاورمیانه صرفاً بر اساس ایدئولوژی شکل نمی‌گیرد و آنچه در این بین دارای اهمیت است، تثبیت حوزه‌های نفوذ و نقش کشورها است. نقش منطقه‌ای ایران نیز به میزان اتصال استراتژیک و رابطه با گروه‌های سیاسی متحد برای تثبیت جایگاه این گروه‌ها بستگی دارد. بنابراین سیاست خارجی ایران در سوریه نیز همانند عراق می‌تواند به سوی ایجاد پیوندهای ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیک و در نتیجه برقراری نوعی اتصال استراتژیک حرکت کند.

علاوه بر فرصت‌های سیاسی، فرصت‌های اقتصادی به ویژه در زمینه بازسازی مناطق مختلف این کشور نیز مطرح است که می‌تواند بر مبنای گسترش زمینه‌های فرصت‌سازی اقتصادی برای رفع تهدیدات سیاسی - امنیتی از طریق ایجاد وابستگی متقابل بین ظرفیت‌های اقتصادی باشد. در این راستا، ایجاد حلقه‌ها و اتصالات استراتژیک سرزمینی و زیرساخت‌های حمل و نقل و ارتباطی دو طرف، مشارکت شرکت‌های خصوصی و بازرگانان ایرانی و از این طریق گسترش تعاملات اقتصادی می‌تواند در دستور کار قرار گیرد.

مقاله حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که هویت و منافع چه تاثیری بر سیاست خارجی ایران نسبت به سوریه داشته است؟ فرضیه اصلی مقاله عبارتست از این که نزدیکی فرهنگی و هویتی به جمهوری اسلامی کمک می‌کند تا با صادرات کالاهای غیر نفتی خود به سوریه، که در آنجا از قدرت نرم و سخت برخوردار است اما حوزه نفوذ اقتصادی محدود دارد، اقتصاد خود را تنوع بخشد. این مقاله به بررسی سیاست خارجی ایران در حوزه اقتصاد سیاسی نسبت به سوریه می‌پردازد و از طریق رویکرد سازه‌نگاری انتقادی، محرک‌های اقتصادی سیاست خارجی ایران نسبت به سوریه را بررسی می‌کند. بیشتر ادبیات موجود در مورد سیاست خارجی ایران نسبت به سوریه بطور خاص و خاورمیانه بطور کلی، عمدتاً بر مباحث نظامی / استراتژیک متمرکز است که از نقش منافع مادی در پیشبرد سیاست خارجی تهران غفلت می‌کنند. در نتیجه، هدف از این تحقیق پر کردن این شکاف از طریق ارائه رویکرد سازه‌نگاری انتقادی برای پرداختن به روابط اقتصادی ایران با سوریه است.

از نظر روش شناختی، این مقاله از روش‌شناسی ترکیبی که شامل هر دو رویکرد کمی و کیفی است، استفاده می‌کند. این روش‌شناسی به محقق این امکان را می‌دهد که از نقاط قوت هر دو روش کمی و کیفی بهره‌برداری کرده و به تحلیل جامع‌تری از موضوع دست یابد. روش کمی در این تحقیق می‌تواند برای تحلیل و بررسی داده‌های آماری مربوط به روابط تجاری و اقتصادی بین ایران و سوریه مورد استفاده قرار گیرد. روش کیفی در این تحقیق می‌تواند به منظور فهم عمیق‌تر و دقیق‌تر از نقش روابط تجاری و اقتصادی در سیاست خارجی ایران نسبت به سوریه به کار رود. همچنین به طور خاص در این مقاله از روش کیفی ردیابی فرآیند با استفاده از سازه‌نگاری انتقادی به عنوان چارچوب نظری استفاده شده است. ردیابی فرآیند را می‌توان به طور کلی به عنوان: " تجزیه و تحلیل شواهد در مورد فرآیندها، توالی و پیوندهای مربوط به وقایع در یک مورد به منظور توسعه یا آزمایش فرضیه‌های مربوط به مکانیسم‌های علی که ممکن است علت را توضیح دهد تعریف کرد"

(Bennett and Cheekel, 2012: 10). این متدولوژی "سعی در شناسایی فرآیند علی مداخله گر - زنجیره علی و مکانیسم‌های علی - بین متغیر مستقل و متغیر وابسته دارد (George and Bennett, 2005: 206). با این حال، کاربردهای روش‌شناختی ردیابی فرآیند در توانایی آن برای "پیشروی به جلو، پیشروی رو به عقب، از علل بالقوه اثرات، از تأثیرات احتمالی متغیرها یا هر دوی آن‌ها" نهفته است (George and Bennett, 2005: 218). مکانیسم‌های علی همیشه مشهود نیستند، حتی می‌توان ادعا کرد که مکانیسم‌های علی به نوعی غیر قابل مشاهده هستند. ما نمی‌توانیم علیت را مشاهده کنیم - بلکه در مورد آن استنتاج می‌کنیم. علاوه بر این، مکانیسم‌های علی، موجودیت‌ها و فرآیندهای هستی‌شناختی در جهان و نظریه‌ها یا فرضیه‌ها در ذهن ما هستند؛ و ما در مورد مکانیسم‌ها تئوری پردازی می‌کنیم. چنین مکانیسم‌هایی در نهایت قابل رؤیت نیستند، اما فرضیه‌های ما درباره آنها پیامدهای قابل مشاهده و قابل آزمایش ایجاد می‌کند (Bennett and Cheekel, 2012: 13). در عین حال، روش ردیابی فرآیند در این مقاله برای نقش تعاملی اثرات برونزا باز است. اما از آنجا که سازه‌انگاری انتقادی نقاط شروع روشنی برای تحلیل ارائه نمی‌کند، در این مقاله، روش ردیابی فرآیند برای برجسته کردن تأثیر متغیرها بر یکدیگر به صورت مداوم مورد استفاده قرار خواهد گرفت. بنابراین، به جای داشتن یک مدل خطی استدلال که از یک متغیر مستقل به یک متغیر وابسته پیش می‌رود، متغیرها در یک مدل چرخه‌ای قرار می‌گیرند که در یک فرآیند باز بی‌انتهای بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. بنابراین بکارگیری این روش هنگام استفاده از سازه‌انگاری انتقادی به جای سازه‌انگاری متعارف نسبتاً محدود است. سازه‌انگاری انتقادی به روابط متقابل سازنده و قوام بخش بین هویت و منافع اشاره دارد. با این وجود اساساً، به عنوان یک رویکرد سازه‌انگارانه، هویت همچنان در درک روند تعامل به عنوان یک نقطه شروع کلیدی باقی می‌ماند. در همین راستا هویت ملی - اسلامی ایران، که به عنوان محصول و خروجی فرآیندهای پیچیده تاریخی توسعه یافته است، کلید درک چگونگی دستیابی ایران به نفوذ و چگونگی شکل دادن منافع مادی به هویت منطقه‌ای آن است. با وجود محدودیت‌های ذکر شده در بالا، این مقاله از روش ردیابی فرآیند برای ردیابی درهم تنیده و چرخه‌ای به جای تعامل خطی بین این دو متغیر هویت و منافع استفاده می‌کند. همچنین در این مقاله هویت و منافع ایران به عنوان متغیر مستقل و سوریه به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. به این صورت که هویت شیعی، محور مقاومت و روابط تجاری و منافع اقتصادی و امنیتی ایران به عنوان شاخص‌های متغیر مستقل در نظر گرفته شده است، که سعی می‌کنیم

تأثیر این متغیر را بر متغیر وابسته مورد بررسی قرار دهیم.

در رابطه با موضوع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به سوریه مقالات متعددی وجود دارد که در اینجا به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره خواهیم کرد:

۱- رضازاده و جعفری (۱۳۹۵) در مقاله "جایگاه سوریه در سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران تحولات پس از حادثه ۱۱ سپتامبر"، ضمن نگاهی به تاریخ روابط دو کشور، به دنبال رسیدن به این امر بوده که چرا سوریه در سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران مهم است. نویسندگان در این مقاله به این موضوع اشاره دارند که شکل‌گیری ترتیبات سیاسی امنیتی جدید در منطقه‌ی غرب آسیا پس از حادثه‌ی یازده سپتامبر به ویژه حمله‌ی آمریکا به عراق، بحران سوریه و افزایش فشار به این کشور از جانب آمریکا و متحدان غربی و عربی‌اش برای دور شدن از ایران، باعث شده سوریه در سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران از اهمیت زیادی برخوردار باشد.

۲- متقی و سعیدی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی سیاست خارجی ایران در قبال بحران سوریه" به این نکته اشاره دارند که شکل‌گیری گروه‌های تروریستی و بنیادگرایان تکفیری-سلفی که در فعالیتی همسو با یکدیگر علیه منافع ملت سوریه، این کشور را عرصه تاخت و تاز خود قرار داده‌اند، جمهوری اسلامی ایران را در موقعیتی قرار داد که دقیق‌تر تحولات این کشور و منطقه را رصد نموده و در این جدال ژئوپلیتیکی، از منافع دولت و ملت سوریه حمایت نماید.

۳- محمودی کیا و فرهادی (۱۳۹۸) در مقاله "بررسی مقایسه‌ای کنش سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال بحران سوریه بر اساس نظریه سازه‌انگاری" به این موضوع اشاره می‌کنند که ایران و ترکیه به‌عنوان دو بازیگر قدرتمند منطقه‌ای از تأثیرگذاری بالایی بر روند تحولات میدانی و سیاسی بحران مذکور برخوردار هستند. ایران به دنبال تضمین حیات محور مقاومت در منطقه، افزایش اعتبار و نفوذ خود در منطقه و جهان اسلام و نیز ارتقای منزلت خود در سطح بین‌المللی است.

۴- بازرگان و پور احمدی میدی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان "ابعاد سیاسی و امنیتی حمایت از سوریه در سیاست خارجی ج.ا. ایران" به دنبال پاسخ دهی به این سؤال هستند که چرا جمهوری اسلامی ایران برای روابط با سوریه و حضور در بحران این کشور اهمیت خاص استراتژیک قائل است؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که شیعی بودن دولت سوریه و نقش بسیار مهم این کشور در محور مقاومت، اهمیت سوریه را برای جمهوری اسلامی در راستای حفظ محور مقاومت و

گفتمان سیاسی شیعی در منطقه در مقابل تهدید محور غربی - عربی محافظه کار و گفتمان سیاسی سنی - سلفی منطقه دوچندان کرده است.

۵- جانانان لبرت در مقاله "محور ایران - سوریه" به بررسی رابطه ایران و سوریه از منظری انتقادی می‌نگرد. نویسنده در ابتدا به علل همکاری بین ایران و سوریه پرداخته، سپس تحولات رابطه این دو کشور را مورد بررسی قرار داده است. در نهایت نیز موضوع واگرایی در این رابطه را مورد بررسی قرار داده است. در واقع، هدف این مقاله بررسی علل همگرایی و واگرایی بین ایران و سوریه می‌باشد.

با توجه به بررسی مقالات یاد شده می‌توان نتیجه گرفت که تمامی این مقالات، سیاست خارجی ایران را از لحاظ امنیتی، سیاسی و هویتی مورد بررسی قرار داده‌اند و هیچ کدام بر جنبه‌های اقتصادسیاسی در سیاست خارجی ایران نسبت به سوریه متمرکز نبوده‌اند، بنابراین مقاله حاضر با نگاهی متفاوت و نوآورانه، به بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به سوریه می‌پردازد.

### چارچوب نظری:

سازهانگاری انتقادی به روابط متقابل سازنده و قوام بخش بین هویت و منافع اشاره دارد. با این وجود اساساً، به عنوان یک رویکرد سازهانگارانه، هویت همچنان در درک روند تعامل به عنوان یک نقطه شروع کلیدی باقی می‌ماند. از نقطه نظر سازهانگاری، هویت نقش اساسی در فرمول‌بندی منافع (مادی) دارد. با این حال، دومی (منافع) به صورت پویا بر اولی تأثیر می‌گذارد. سازهانگاری انتقادی یک پاسخ ساده برای مساله هویت - منافع ارائه نمی‌دهد، بلکه بیشتر به مشکل رابطه درهم تنیده کمک می‌کند. هویت یک فرآیند مداوم مذاکره بین افراد و گروه‌های ذی‌نفع است که در آن موجودیت پیشینی ندارد که مستقل از بازیگران مربوطه باشد (McSweeney, 1999: 73). با توجه به ادبیات سازهانگاری انتقادی موجود، ما پیشنهاد می‌کنیم که هویت‌ها و منافع به صورت شناختی و نهادی در یک فرآیند ساخت متقابل فرمول بندی شوند. هر دو متغیر یکدیگر را نه تنها براساس ساخت اجتماعی آنی، بلکه براساس ارزش ذاتی (برای منافع) و معنا (برای هویت) که به

<sup>1</sup> Critical Constructivism

طور تاریخی از طریق ساخت‌های اجتماعی انباشته توسعه یافته‌اند، تشکیل می‌دهند. با این حال، اگر هر متغیر به صورت فرضی به عنوان متغیر مستقل و وابسته در فرآیند ساخت متقابل ارائه شود، آنگاه از لحاظ نظری هر دو باید بطور درون‌زا دارای ارزش / معنایی باشند که مستقل از فرآیند ارتباط آئی یا شبه آئی ساخت اجتماعی است. داشتن یک ارزش / معنی درونی مانع از این می‌شود که هر متغیر به صورت بازتاب صرف این رابطه اجتماعی لحظه‌ای درآید. در عوض، این درون‌زایی منجر به یک رابطه دیالکتیک بین عوامل داخلی و خارجی می‌شود که هر دو متغیر را شکل می‌دهند. در همین رابطه کارین فیرکه نشان می‌دهد که تحلیل گفتمان سازنده این رابطه نیازمند مشاهده دقیق "ماتریس هویت‌ها و منافع و فرایندی است که به تدریج از طریق تعامل تاریخی دگرگون می‌شوند" (Fierke, 2007: 81).

از آنجا که هدف این مقاله، بررسی سیاست خارجی ایران نسبت به سوریه در چارچوب نقش سازنده منافع است، ایران را یک نهاد سیاسی می‌دانیم که به عنوان یک قدرت پیشینه ساز اقتصادی عمل می‌کند. در عین حال که گفتمان‌های هویتی برای حفظ این رفتار پیشینه ساز مورد استفاده قرار می‌گیرد، همچنان توسط آن مهار می‌شود. در همین راستا "مفصل‌بندی" و "تفسیر" دو مفهوم مهم برای درک این رفتار منطقی هستند. در همین خصوص جوتا ولدز مفصل‌بندی را به عنوان "فرآیندی که در آن معنا از مواد خام فرهنگی یا منابع زبانی موجود تولید می‌شود" تعریف می‌کند و تفسیر به فرآیندی دوگانه اشاره دارد که به موجب آن هویت‌ها یا موقعیت‌های موضوعی ایجاد می‌شوند و افراد واقعی به درون آن فراخوانده می‌شوند (Weldes, 1996: 287). ما از طریق این دو مفهوم، استفاده از سازه‌انگاری انتقادی را مورد بحث قرار می‌دهیم که در مورد ایران به شیوه‌ای واقع‌گرایانه (به مفهوم والتزین) در رابطه با با قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی عمل می‌کند. بنابراین، ایران به عنوان یک پیشینه‌ساز اقتصادی عمل می‌کند، نه به این دلیل که یک واحد سیاسی برون‌زا در نظام بین‌الملل باشد که مطابق با منطق نئورئالیسم عمل می‌کند، بلکه به این خاطر که از طریق فرآیند یادگیری که ساخت هویت در مرکز آن قرار دارد اقدام می‌کند. به این معنا که رفتار ایران در عرصه بین‌المللی می‌تواند از یک شکل به شکل دیگر براساس ساخت‌های اجتماعی آن تغییر کند.

مطابق با موارد پیش گفته در سطور قبل، برای درک رفتار ایران در عرصه بین‌المللی و در خاورمیانه به ویژه منطقه غرب آسیا، نقش سازنده "منافع" در شکل‌گیری تاریخی هویت ایران باید مورد توجه قرار گیرد. اما برای شروع، توجه به این نکته مهم است که هویت ایرانی نه منسجم است

و نه ثابت بلکه در یک حالت ثابتی از تغییر و تحول قرار دارد. تعامل بین هویت و منافع کلید این فرایند دگرگون شونده است.

برای تبیین و بررسی نقش روابط تجاری و اقتصادی در سیاست خارجی ایران نسبت به سوریه براساس نظریه سازه‌انگاری انتقادی، باید به چندین جنبه کلیدی توجه شود:

۱. سازه‌انگاری انتقادی به این موضوع اشاره دارد که روابط بین‌الملل و سیاست خارجی کشورها نه تنها بر اساس منافع مادی و قدرت اقتصادی-نظامی، بلکه بر اساس هویت‌ها، ایده‌ها، و ساختارهای اجتماعی شکل می‌گیرند. این نظریه بر اهمیت هویت ملی، ارزش‌ها، و تصورات مشترک تأکید می‌کند و معتقد است که این عناصر بر تعاملات و تصمیمات سیاسی و اقتصادی تأثیرگذار هستند.

۲. یکی از اصول کلیدی سازه‌انگاری انتقادی این است که سیاست خارجی کشورها در بستر هویت‌های ملی و ایدئولوژی‌ها شکل می‌گیرد. در مورد ایران و سوریه، اشتراکات ایدئولوژیک و هویتی (از جمله مقاومت در برابر نفوذ غرب و اسرائیل) نقشی محوری در تعریف روابط بین دو کشور دارد. این اشتراکات، زیربنای روابط سیاسی، امنیتی و اقتصادی را تشکیل می‌دهند و بر تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی ایران نسبت به سوریه تأثیر می‌گذارند.

۳. براساس نظریه سازه‌انگاری انتقادی، روابط تجاری و اقتصادی میان ایران و سوریه فقط ابزارهای مادی برای تبادل کالاها و خدمات نیستند؛ بلکه به عنوان وسیله‌ای برای تقویت و بازتولید هویت‌های مشترک و سازه‌های اجتماعی عمل می‌کنند. از این منظر، تعاملات اقتصادی به‌عنوان بخشی از استراتژی ایران برای تقویت اتحاد استراتژیک و حفظ همبستگی با سوریه در مقابل تهدیدات مشترک منطقه‌ای عمل می‌کنند.

۴. ایران از طریق گسترش روابط تجاری و اقتصادی با سوریه، به دنبال بازتولید نظامی منطقه‌ای است که در آن مقاومت در برابر نفوذ قدرت‌های خارجی و دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. این روابط اقتصادی به ایران کمک می‌کند تا جایگاه و نفوذ خود را در منطقه حفظ کند و هویت استراتژیک خود را در برابر دشمنان مشترک تقویت نماید.

۵. یکی از نتایج اصلی روابط تجاری و اقتصادی ایران و سوریه، ایجاد وابستگی متقابل است که به تعمیق روابط سیاسی میان دو کشور منجر شده است. این وابستگی‌ها نه تنها به تأمین منافع اقتصادی برای هر دو طرف کمک کرده، بلکه به‌عنوان ابزاری برای تحکیم اتحادهای سیاسی و نظامی نیز عمل کرده است.



در نهایت، نظریه سازه‌نگاری انتقادی به ما امکان می‌دهد تا روابط تجاری و اقتصادی ایران و سوریه را نه تنها به‌عنوان ابزاری برای تأمین منافع مادی، بلکه به‌عنوان بخشی از فرآیند ساخت هویت و تقویت اتحاد استراتژیک میان دو کشور تحلیل کنیم. این روابط در بستر هویت‌های مشترک و تهدیدهای مشترک شکل گرفته و به‌عنوان بخشی از استراتژی جامع‌تر ایران در سیاست خارجی و منطقه‌ای عمل می‌کند.

### جایگاه سوریه در سیاست خارجی ایران

اساس روابط تاریخی ایران و سوریه به دوره قبل از انقلاب بر می‌گردد. اولین پیوند استراتژیک حافظ اسد و امام خمینی قبل از انقلاب برقرار شد. حافظ اسد در زمان تبعید از امام خمینی حمایت کرد، همچنین سوریه یکی از اولین کشورهایی بود که ایران پس از انقلاب را به رسمیت شناخت. پس از آن، روابط استراتژیک بین دو کشور در درون ژئوپلیتیک خاورمیانه ساخته شد (Nasur, 2014: 80).

جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی با در پیش گرفتن شعار نه شرقی نه غربی بر اساس ایدئولوژی شیعی به جنبش عدم تعهد پیوست و به صدور انقلاب پرداخت. ایران از ابتدای انقلاب تلاش کرد در میان نیروهای اسلام‌گرای خاورمیانه نفوذ کند و دولت‌های وابسته به غرب را از قدرت خلع کند. نخستین مقصد صدور انقلاب به کشورهایی بود که شیعیان بیشتری داشتند. در سوریه که علویان شیعی در قدرت بودند، روابط نزدیک میان سوریه و ایران شکل گرفت و سوریه تنها متحد ایران در جنگ تحمیلی شد. اما سیر تحولات پس از جنگ سرد و فروپاشی شوروی و حادثه ۱۱ سپتامبر به گونه‌ای رقم خورد که منافع ایران با نفوذ در منطقه بیش از پیش تأمین شد. ایران که در سوریه و لبنان با تشکیل حزب الله نفوذ زیادی داشت، بعد از ۲۰۰۳ در عراق نیز دست بالا را یافت و سپس با کاهش شدید نیروهای آمریکا در خاورمیانه نفوذ بیشتری کسب کرد (سهیلی نجف آبادی، کشیشیان سیرکی، ۱۳۹۷: ۲۶).

در واقع ایران از ظرفیت‌های ژئوپلیتیک سوریه برای ایجاد منطقه نفوذ امن در لبنان و دستیابی به جایگاه یک بازیگر استراتژیک در مسئله فلسطین و اسرائیل استفاده می‌کند. بنابراین ایران یک محور مقاومت در سوریه در برابر آمریکا و اسرائیل ایجاد کرده است. از این لحاظ، سوریه دقیقاً در وسط معادلات سیاست خاورمیانه‌ای ایران قرار دارد. همچنین سوریه نقش حیاتی در اتصال ایران به منطقه

مدیترانه دارد. بنابراین منافع ژئواستراتژیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه از همان ابتدا با همسویی دمشق در طول جنگ هشت ساله و تشکیل حزب الله لبنان به عنوان نیروی بازدارنده در برابر اسرائیل توسعه یافت. از آن زمان به بعد، این منطقه به تدریج به یک میدان نبرد برای درگیری‌های نیابتی طولانی مدت بین جمهوری اسلامی، عربستان سعودی و ترکیه، به ویژه پس از فوران بهار عربی، تبدیل شده است (Rafizadeh, 2016).

بر این اساس، چشم اندازهای سیاست خارجی مشترک در همگرایی ایدئولوژیکی دو کشور در مسائلی مانند اسرائیل با هم ترکیب شده است. سوریه از سال ۱۹۸۶ تاکنون در جنگ سرد با اسرائیل به سر می‌برد و این رفتار سوریه یعنی بازی در پازل جمهوری اسلامی ایران. همچنین هر دو کشور نسبت به ایالات متحده بدگمان هستند، از این رو در دهه‌های اخیر دولت‌های ایران و سوریه یک اتحاد استراتژیک را در قلب تقسیمات خاورمیانه به ویژه خصومت‌های ایرانی - عربی و شیعه - سنی شکل داده‌اند. با عنایت به پایه و اساس این چشم‌اندازهای مشترک است که می‌توان بسیاری از دلایل نفوذ ایران در سوریه را درک کرد. بنابراین سوریه به یک اصل کلی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده و از دیدگاه بسیاری از تحلیلگران، سوریه عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران است. (محمدی، ذاکریان ۱۳۹۹: ۱۸۶). جمهوری اسلامی ایران به واسطه رابطه با سوریه در سال‌های اخیر امکان و قدرت بازیگری بالایی در منطقه شامات و در مرزهای اسرائیل پیدا نمود. این ارتباط، امکان گسترش قلمرو و عمق بخشی راهبردی را برای ایران به منظور مقابله با اسرائیل در منطقه فراهم آورده است. بر همین مبنا می‌توان این دو کشور را عمق استراتژیک یکدیگر نامید (عباسی، ۱۳۹۴: ۱۰۰). با این حال، اهمیت ژئوآکونومیکی منطقه برای ایران بعداً با توسعه و گسترش نیازهای اقتصادی تهران (از نظر تجارت غیر نفتی و انرژی) در میان آسیب‌پذیری ژئوپلیتیکی متحدان منطقه‌ای آن بخصوص سوریه، افزایش یافت. از نظر سیاست گذاری می‌توان گفت، منافع اقتصادی به تدریج از حاشیه دستور کار امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی به هسته اصلی منتقل شد (Rafizadeh, 2016). نهایتاً در بررسی ابعاد نفوذ ایران در سوریه علاوه بر جنبه‌های هویتی و ارزشی، جنبه‌های مادی نیز نقش مهمی دارند.

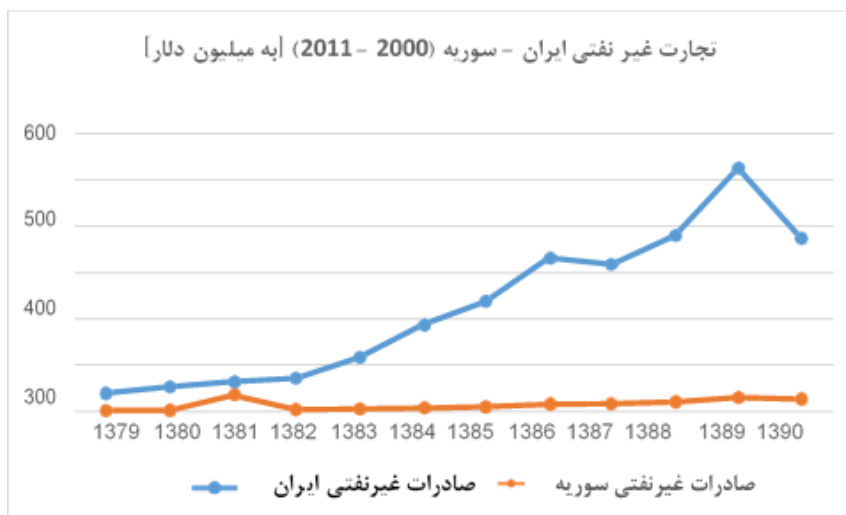
بطور کلی چهار عامل پویا و پیشرو در تعیین کیفیت روابط ایران و سوریه مهم هستند: امنیت ملی، مسائل شیعه - سنی و ژئوپلیتیک، توازن قدرت و قدرت منطقه‌ای / هژمونیک. در واقع پویایی‌های ژئوپلیتیک و عوامل ژئوکالچر تعیین کننده روابط هر دو کشور است. اول از همه، باید

تأکید کنیم که ایران، سوریه را نه به عنوان موضوع سیاست خارجی و یک امر خارجی بلکه به عنوان یک مسئله داخلی در چارچوب پویای امنیت ملی می‌داند. ثانیاً، با توجه به مسائل هویت شیعه و ژئوپلیتیک، سوریه مثلث شیعه را با حزب الله لبنان و دولت عراق کامل می‌کند. بنابراین در پی سرنگونی رژیم اسد در سوریه، شکست ژئوپلیتیک شیعه فراتر از ضرر ژئوپلیتیک برای ایران خواهد بود (Barzegar, 2008: 90). ثالثاً، در چارچوب توازن قوا، سوریه کشوری است که توازن قدرت را برای ایران در برابر بلوک‌های اهل سنت به رهبری عربستان سعودی فراهم می‌کند. در حقیقت توازن قدرت عامل اصلی رقابت بین ایران و عربستان است. از طرف دیگر، ایران با حمایت از دولت اسد، سیاست حفظ تعادل قدرت در برابر بلوک سنی را دنبال می‌کند (Jahner, 2012: 44). رابعاً، سوریه برای ایران، که می‌خواهد یک قدرت منطقه‌ای و هژمونیک باشد، اهمیت اساسی دارد که از این طریق می‌تواند یک هژمونی منطقه‌ای در منطقه ایجاد کند (Susser, 2015: 16).

#### روابط تجاری ایران و سوریه پس از جنگ داخلی سوریه:

با آغاز جنگ ایران و عراق، جمهوری اسلامی ایران و سوریه به رهبری حافظ اسد، روابط سیاسی دوستانه را توسعه دادند. در طول جنگ تحمیلی، سوریه با پشتیبانی لجستیکی از تهران حمایت کرد. علی‌رغم اختلافات سیاسی دو کشور در لبنان، با رقابت بین جنبش امل مورد حمایت سوریه و حزب‌الله تحت حمایت ایران، هر دو طرف تا حد زیادی به همکاری ادامه دادند و دمشق یک مسیر ترانزیت حیاتی برای تأمین تسلیحات حزب‌الله باقی ماند. در طول دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ در زمان ریاست جمهوری بشار اسد، اتحاد بین سوریه و ایران، با افزایش انزوای منطقه‌ای دمشق پس از آنکه مصر، اردن، و سازمان آزادی بخش فلسطین معاهدات صلح را با تل آویو امضا کردند، محکم‌تر شد (Mansour, 2008: 948). با وجود اتحاد استراتژیک جمهوری اسلامی و سوریه، روابط تجاری بین دو کشور در دوره‌های مذکور بسیار ناچیز بود. براساس اعلام اداره گمرک ایران، در سال ۲۰۰۰ صادرات غیرنفتی ایران به سوریه ۳۸,۵ میلیون دلار بوده است. در حالی که در سال ۲۰۱۱ که جنگ سوریه به یک جنگ داخلی تمام‌عیار تبدیل شد، ایران ۳۷۲ میلیون دلار صادرات کالاهای غیرنفتی به دمشق داشته است (نگاه کنید به شکل ۱).

شکل ۱: تجارت غیرنفتی ایران و سوریه (۲۰۱۱ - ۲۰۰۰) [به میلیون دلار]



منبع: اداره گمرک ایران

سوریه و ایران تا سال ۲۰۱۱ روابط بسیار صمیمانه‌ای داشتند. هر دو کشور در سال ۲۰۰۶ قرارداد همکاری نظامی و در آگوست ۲۰۱۰ توافقنامه تجارت آزاد را امضا کردند. روابط تجاری بین دو کشور در سال ۲۰۱۰ حدود ۳۵۰ میلیون دلار بود که هدف آن افزایش بیشتر روابط تجاری دوجانبه به ۵ میلیارد دلار در آینده بود. در جریان جنگ داخلی سوریه، ایران، عراق و سوریه قرارداد گازی ۱۰ میلیارد دلاری برای ترانزیت گاز ایران به اروپا امضا کردند. (Goodarzi, 2013: 9)

اساساً جنگ داخلی سوریه نقطه عطفی در روابط تجاری بین دو کشور بود. با توجه به حمایت‌های اقتصادی و نظامی ایران از سوریه، ایران سیاست افزایش حجم تجارت خارجی با سوریه را دنبال کرد. در همین راستا ایران و سوریه پیمان تجارت آزاد را در سال ۲۰۱۲ با هدف افزایش حجم تجارت تا ۲ میلیارد دلار امضا کردند.

در سال ۲۰۱۲، سوریه و ایران هر دو شروع به اجرای توافقنامه تجارت آزاد کردند و اکنون اکثر کالاها و محصولات مبادله شده بین این دو مضمول مالیات و تعرفه گمرکی نمی‌شوند. تجارت بین دو کشور از حدود ۳۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۱۰ به یک میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ افزایش یافت. هر دو کشور سوریه و ایران تمایل خود را برای افزایش تجارت به ۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ از طریق دو خط مستقیم دریایی اعلام کرده‌اند. اگرچه ۲ میلیارد دلار ممکن است قابل توجه به نظر

نرسد - به ویژه در مقایسه با بیش از ۱۰ میلیارد دلار تجارت بین ایران و عراق - این رشد در طول جنگ داخلی سوریه قابل توجه است (Al-Saadi, 2015).

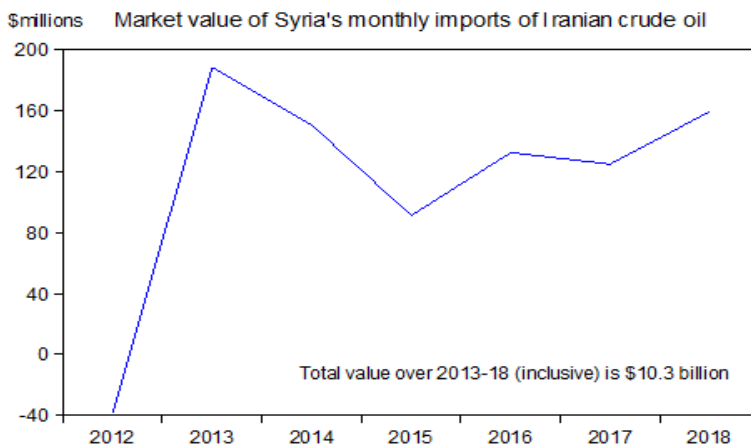
بر این اساس، طبق اعلام سازمان توسعه تجارت ایران، صادرات غیرنفتی ایران به سوریه در سال ۲۰۱۴ به ۸۷۰ میلیون دلار رسید. عبدالسلام علی، معاون وزیر اقتصاد و تجارت خارجی سوریه اظهار داشت: "ارزش واردات سوریه از ایران در سال ۲۰۱۴ بالغ بر ۴۲۲ میلیارد لیر سوریه (۲.۶ میلیارد دلار) بوده است که ۳۴ درصد از حجم کل واردات سوریه را نشان می‌دهد." اگر نگاهی به کالاهای صادراتی ایران به سوریه قبل از جنگ داخلی سوریه داشته باشیم، متوجه افزایش حجم قابل توجه صادرات ایران به سوریه خواهیم شد. در آن زمان ترکیه، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و مصر بیشترین میزان صادرات به سوریه را به خود اختصاص داده بودند (Al-Saadi, 2014).

علاوه بر پیمان تجارت آزاد، افزایش واردات سوریه از ایران را می‌توان به وام‌هایی که دمشق از تهران دریافت کرده، نسبت داد. سوریه در ژانویه ۲۰۱۳ یک میلیارد دلار وام و سپس در اوت ۲۰۱۳ وام دوم به مبلغ ۳,۶ میلیارد دلار را برای خرید محصولات نفتی از ایران دریافت کرد. در این زمینه رئیس بانک مرکزی سوریه در ۵ مه ۲۰۱۵ به بلومبرگ نیوز اعلام کرد که ایران خط اعتباری جدید را به مبلغ ۱ میلیارد دلار به دولت سوریه اعطا کرده است که در جهت کمک به واردات سوریه است. در واقع این سومین وام ایران به سوریه از زمان آغاز بهار عربی در سال ۲۰۱۱ است که به منظور جبران افت شدید ارزش پوند سوریه است (Al-Saadi, 2015). همچنین برای تسهیل دسترسی ایران به بازارهای سوریه، هر دو طرف در سال ۲۰۱۵ توافق کردند تا خطوط حمل و نقل دریایی مستقیم را راه‌اندازی کنند. در همین راستا، در سال ۲۰۱۷ تجارت سالانه بین دو کشور از یک میلیارد دلار فراتر رفت - یعنی تقریباً دو برابر مقدار دوره قبل از جنگ - (Majidyar, 2017). همچنین ذکر این نکته ضروری می‌نماید که؛ توافق نامه‌های امضا شده از سال ۱۹۹۰ بین ایران و سوریه - مربوط به تقویت همکاری اقتصادی، تبادل تخصص و تشویق سرمایه‌گذاری - تا زمان بروز اعتراضات در سال ۲۰۱۱ اجرا نشد. پس از جنگ بسیاری از زیرساخت‌ها و بخشهای تولیدی سوریه از بین رفت، برخلاف سایر کشورهای منطقه، ایران برای بازسازی این بخشها توافق نامه‌ها و قراردادهای همکاری اقتصادی بسیاری را با دولت سوریه منعقد کرد. به عنوان مثال، در ژوئیه ۲۰۱۳، دمشق یک شرکت ایرانی متخصص در صادرات مواد غذایی را از کلیه مالیات کالاهای وارد شده به سوریه معاف کرد. همچنین گزارش‌های تأیید نشده‌ای حاکی از آن است که ایران در مقابل وام‌های

اعطایی به سوریه به دنبال گرفتن وثیقه از آن در قالب دارایی‌های املاک و مستغلات یا سایر املاک دولتی است (Al-Saadi, 2015).

ایران و سوریه تقریباً در تجارت و سرمایه‌گذاری اقتصادی قبل از جنگ داخلی نقش یکسانی داشتند، زیرا هر دو قدرت نفوذ یکسانی داشتند. اما پس از جنگ اهرم اقتصادی ایران در سوریه به طور تصاعدی افزایش یافت و باعث افزایش بدهی و وابستگی سوریه به ایران شد. پس از کاهش درگیری‌های داخلی سوریه، تجارت آزاد بین دو کشور افزایش یافته و هزینه‌های تعرفه تجارت کالا به میزان قابل توجهی (تا ۶۰ درصد) به نفع تهران کاهش یافته است. بنابراین اگرچه جنگ داخلی سوریه برای ایران بسیار پرهزینه بوده است، اما ایران طرح اقتصادی خود را در سوریه کنار دنبال می‌کند. طرح‌های اقتصادی و بازسازی تهران در سوریه یک برنامه بلند مدت است که در صورت پایان جنگ سوریه می‌تواند در بازار گسترده دمشق بسیار خوب نتیجه دهد. در این مورد به زعم برخی، دستور کار اقتصادی ایران در سوریه تا حدودی شبیه طرح مارشال ایالات متحده در جهت حمایت اقتصادی برای بازسازی اقتصادهای اروپای غربی پس از پایان جنگ جهانی دوم است. اساساً بدون کمک‌های مالی ایران، سوریه نمی‌تواند بحران اقتصادی ناشی از جنگ و تحریم را تحمل کند. به عنوان مثال، اگرچه تحریم‌های بین‌المللی اقتصادی علیه سوریه وجود دارد، فروش نفت خام ایران به سوریه در مارس ۲۰۱۵ به بالاترین میزان یعنی ۱۲۵۰۰۰ بشکه در روز افزایش یافت. شکل (۲) نشان می‌دهد که ارزش محموله‌های نفتی صادراتی ایران به سوریه از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸ به تنهایی ۱۰٫۳ میلیارد دلار است که محدودیت اعتباری اعلام شده ۷٫۶ میلیارد دلاری را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد (Karam, 2019: 9).

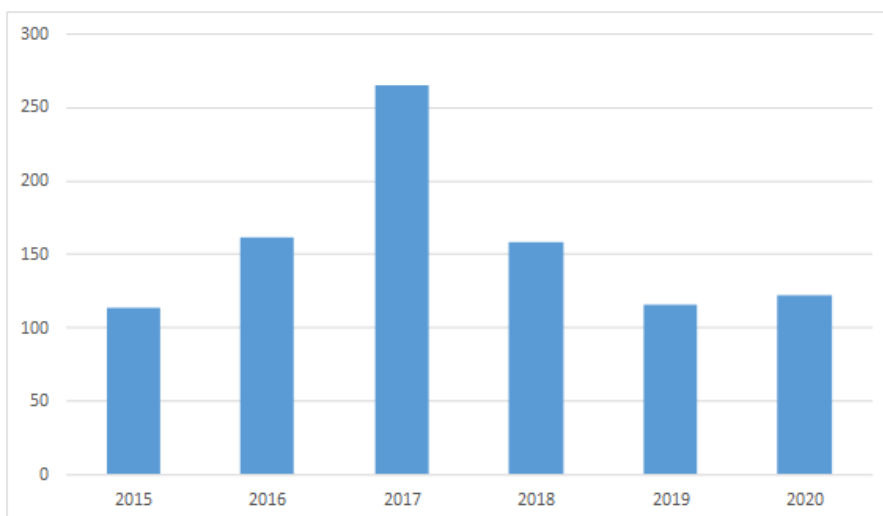
شکل ۲: ارزش صادرات نفت خام ایران به سوریه



منبع: Middle East Institute

طبق آمار منتشر شده توسط اداره گمرک جمهوری اسلامی ایران، صادرات ایران در سالهای اخیر به سوریه روند رو به افزایشی داشته است، در هفت ماه منتهی به ۲۰۱۶ میزان صادرات ایران به سوریه ۱۰۵ میلیون در حالی که در طول هفت ماه منتهی به اکتبر ۲۰۱۷ حدود ۱۵۲۱۴ تن کالا به ارزش ۱۵۶,۷۵ میلیون دلار به سوریه صادر شده است که ۱۶,۳۱٪ از نظر حجم و ارزش در مقایسه با دوره مربوط به سال گذشته افزایش داشته است. همچنین بر اساس پایگاه داده تجارت بین الملل سازمان ملل متحد، صادرات ایران به سوریه طی سال ۲۰۱۸ حدود ۱۵۸,۸۱ میلیون دلار بوده است (en.ima, 2022r). بر اساس آمار گمرک ایران، کل صادرات ایران به سوریه در سال ۲۰۲۰ حدود ۱۲۲ میلیون دلار بوده است. که این آمار نسبت به سال ۲۰۱۹ که حدود ۱۱۶ میلیون دلار بوده است ۶ درصد افزایش داشته است. لازم به ذکر است، از دلایل اصلی کاهش صادرات ایران به سوریه در سال ۲۰۲۰ شرایط ناشی از شیوع ویروس کرونا و تحریم‌های آمریکا بوده که باعث قطع کامل ارتباطات و روابط تجاری ایران با سوریه شد (<https://iransyriaeconomy.com>). شکل زیر نیز میزان صادرات ایران به سوریه از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ را بخوبی نشان می‌دهد.

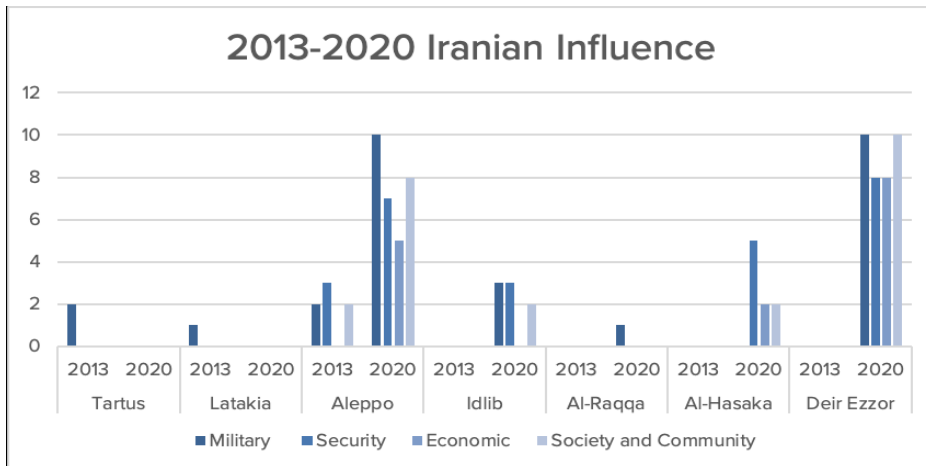
شکل ۳. صادرات ایران به سوریه (۲۰۱۵-۲۰۲۰) [به میلیون دلار]



منبع: TRADING ECONOMICS

بنابراین داده‌ها موید این امر است که، نفوذ ایران در سوریه دیگر محدود به حضور نظامی و امنیتی نیست. ایران همچنان به نفوذ در جامعه سوریه و تقویت حضور خود در سیستم اقتصادی

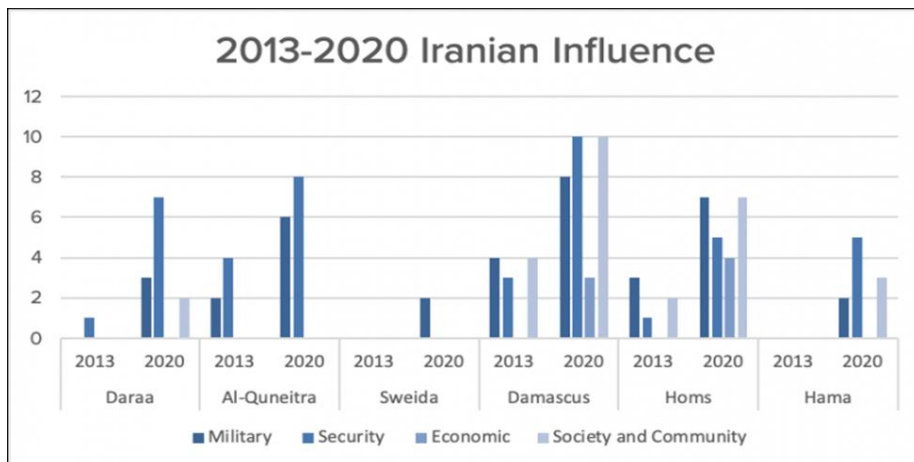
سوریه ادامه می‌دهد تا از بقای خود در سوریه اطمینان حاصل کند. برای فهم هرچه بیشتر موضوع به شکل‌های زیر که میزان نفوذ ایران و کنترل نظامی، امنیتی، اجتماعی و اقتصادی آن در استان‌های مختلف سوریه را نشان می‌دهد، توجه کنید.



شکل ۴: میزان نفوذ نظامی، امنیتی، اجتماعی و اقتصادی ایران در استان‌های مختلف سوریه

منبع: Atlantic Council

شکل ۵: میزان نفوذ نظامی، امنیتی، اجتماعی و اقتصادی ایران در استان‌های مختلف سوریه



منبع: Atlantic Council

ایران همچنین با سازمان‌های خیریه همکاری می‌کند تا بهتر در جامعه سوریه ادغام شود. یکی از مهم‌ترین سازمان‌های مورد حمایت ایران سازمان جهاد البنا است که بیشتر بر روی مسئله بازسازی



مدارس و مراکز بهداشتی تمرکز دارد. این سازمان در حال حاضر در استانهای دیرالزور و حلب فعال است. ایران اخیراً تمرکز خود را روی آموزش و پرورش قرار داده است، علاوه بر مراکز فرهنگی، که در گسترش فرهنگ ایرانی در جامعه سوریه نقش مهمی دارند، تعداد تأسیسات آموزشی ساخته شده به ۷ مورد می‌رسد (Saban, 2020).

همانطور که مشاهده شد، سوریه به عنوان یک متحد استراتژیک، به طور فزاینده‌ای به یک بازار مهم منطقه‌ای برای تجارت کالاهای غیر نفتی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. تأثیر رو به گسترش اقتصادی تهران نه تنها بخاطر کیفیت و رقابت کالاهای ایرانی، بلکه به لحاظ ارتباطات سیاسی بین تهران و دمشق می‌باشد. هدف ایران حفظ این اتحاد استراتژیک سودآور است که اقتصاد کلان تقویت و تراز تجاری آن را مثبت می‌کند. ظهور داعش در سوریه پس از بهار عربی فرصتی را برای ایران فراهم کرد تا پتانسیل‌های اقتصادی خود را در منطقه غرب آسیا افزایش دهد و با ترکیه رقابت کند. بطور کلی افزایش اتکای نظامی دمشق به تهران منجر به همکاری اقتصادی بیشتر بین آن‌ها شد.

#### اهمیت تجارت غیر نفتی ایران با سوریه

سوریه، به عنوان یک متحد استراتژیک، به طور فزاینده‌ای به یک بازار منطقه‌ای مهم برای تجارت کالای غیر نفتی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد. نفوذ بازار رو به گسترش تهران نه تنها به کیفیت و رقابت‌پذیری کالاهای ایرانی، بلکه همچنین به روابط سیاسی بین تهران و دمشق مربوط می‌شود. جمهوری اسلامی به دنبال حفظ این اتحاد راهبردی سودآور است که اقتصاد کلان و تراز تجاری آن را تا حدودی تقویت می‌کند. از اواسط سال ۲۰۱۲، تهران با تحریم‌هایی که علیه بخش‌های نفت و بانکداری‌اش اعمال شد، دست و پنجه نرم می‌کرد که نه تنها ضربه‌ای به یکی از مهم‌ترین منابع درآمد دولت وارد کرد، بلکه توانایی ایران را برای تجارت غیر نفتی با جهان مخدوش کرد. از آنجا که سوریه به رژیم تحریم‌ها پایبند نبود، بازار این کشور به استراتژی پنهانی ایران برای جذب شوک و جبران زیان‌های ناشی از کاهش تجارت غیر نفتی با جهان تبدیل شد. با این حال، جمهوری اسلامی ایران همچنان روابط تجاری با جهان داشت، اما به دو دلیل حفظ آنها دشوار بود. اولاً، با محرومیت این کشور از استفاده از سیستم سوئیفت، انجام تراکنش‌های مالی با وجود تلاش تهران برای توسعه روش‌های جایگزین برای تسهیل تراکنش‌ها، دشوار شد. ثانیاً، با افزایش هزینه‌های واردات، رقابت‌پذیری صادرات کالاهای غیر نفتی ایران به طور نسبی کاهش یافت. (Jamakoochi et al., 2019).

جنگ داخلی در سوریه و ظهور داعش در عراق پس از بهار عربی، فرصتی برای ایران جهت تقویت ظرفیت‌های اقتصادی خود در منطقه خاورمیانه و رقابت با ترکیه ایجاد کرد. اتکای نظامی فزاینده بغداد به تهران منجر به همکاری‌های اقتصادی بیشتر بین آنها شد. می‌توان استدلال کرد که جمهوری اسلامی ایران به دنبال ایجاد یک بلوک اقتصادی ایران-عربی است که در آن تهران جایگاه پیشرو را بر عهده گیرد.

### نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی نقش عوامل اقتصادی در تدوین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال سوریه در بستر بهار عربی و ظهور داعش در خاورمیانه می‌پردازد. نقش منافع اقتصادی در بستر رابطه‌ی نادیده گرفته شده‌ی بین هویت بررسی شد. در حالی که این مطالعه ادعایی در مورد افزودن به ادبیات موجود درباره‌ی رابطه‌ی در هم تنیده ندارد، اما تلاش می‌کند با تکیه بر سازه‌انگاری انتقادی، تعامل و تأثیر متقابل بین این دو متغیر (هویت و منافع) در مورد سیاست خارجی ایران در قبال خاورمیانه را روشن کند.

در این مقاله، نقش روابط تجاری و اقتصادی در سیاست خارجی ایران نسبت به سوریه از منظر نظریه سازه‌انگاری انتقادی مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به نظریه سازه‌انگاری انتقادی، سیاست خارجی نه تنها بر اساس منافع مادی، بلکه به واسطه هویت‌ها، ارزش‌ها و باورهای اجتماعی نیز شکل می‌گیرد. در مورد ایران و سوریه، روابط تجاری و اقتصادی به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم در پیشبرد اهداف سیاست خارجی ایران عمل کرده است، اما این روابط را نمی‌توان صرفاً از منظر منافع اقتصادی تحلیل کرد.

ایران و سوریه دارای روابط تاریخی و استراتژیکی هستند که فراتر از مبادلات اقتصادی قرار می‌گیرد. این روابط بر اساس اشتراکات ایدئولوژیک و مقابله با تهدیدهای مشترک، به‌ویژه در مقابله با نفوذ غرب و اسرائیل در منطقه، شکل گرفته است. از این رو، تعاملات اقتصادی میان دو کشور، علاوه بر تأمین منافع اقتصادی، به‌عنوان وسیله‌ای برای تحکیم اتحادهای استراتژیک و تقویت هویت مشترک عمل می‌کند.

به بیان دیگر، روابط تجاری و اقتصادی ایران و سوریه نه تنها به تأمین منابع اقتصادی برای هر دو کشور کمک می‌کند، بلکه به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف هویتی و ایدئولوژیک در سیاست

خارجی نیز ایفای نقش می‌کند. این روابط در بستر نوسانات منطقه‌ای و بین‌المللی، توانسته است از طریق ایجاد وابستگی‌های متقابل، تعاملات سیاسی و امنیتی بین دو کشور را تقویت کند و همزمان به تداوم و تعمیق هم‌گرایی استراتژیک کمک کند. به‌طور کلی، تحلیل این روابط از منظر سازه‌انگاری انتقادی نشان می‌دهد که ابعاد اقتصادی و تجاری سیاست خارجی ایران نسبت به سوریه، در بستر هویت‌های مشترک و سازه‌های اجتماعی شکل گرفته است و به عنوان بخشی از استراتژی جامع‌تر ایران در منطقه در نظر گرفته می‌شود.

هویت‌ها و منافع، به صورت متقابل یکدیگر را شکل می‌دهند و درک سیاست خارجی کشورها بدون در نظر گرفتن آن‌ها در بستر روابط پیچیده و چندوجهی میان این دو متغیر ممکن نیست. ساختارهای اجتماعی ایران در خاورمیانه و هویت‌های تاریخی اولویت‌دار زیرمجموعه‌های آن، از منافع اقتصادی بازیگران سازنده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران جدا نیستند، بلکه در شکل‌گیری آن‌ها نقش‌آفرینی می‌کنند. ساختارهای اجتماعی دیگر، بخشی از چگونگی تعریف و ساخت هویت سیاست‌گذاران ایرانی است که محصول یک فرایند تاریخی طولانی است که منافع مادی بخشی از آن هستند.

تحولات هویتی (که بر ساخته‌های اجتماعی هستند) در سوریه پیامدهایی برای ایران به عنوان یک صادرکننده رو به رشد کالاهای غیرنفتی دارد. همبستگی فرهنگی، که آن هم یک برساخته‌ی اجتماعی است، به جمهوری اسلامی در متنوع‌سازی اقتصادش از طریق صادرات کالاهای غیرنفتی به مناطقی که در آنها از قدرت سخت و نرم برخوردار است کمک می‌کند، اما همچنین محدوده نفوذ اقتصادی آن را محدود می‌کند. آمار تجاری حاکی از رشد چشمگیرتر صادرات غیرنفتی ایران به سوریه با آغاز جنگ داخلی و ناتوانی دولت سوریه در حفظ کنترل کشور است که منجر به گسترش نقش نظامی ایران در این کشور شده است.

این مطالعه نتیجه‌گیری می‌کند که تنوع اقتصادی و وابستگی کمتر به درآمدهای نفتی، الزاماً منجر به کاهش مناقشات نظامی میان دولت‌ها نمی‌شود. از زمان اعمال تحریم‌ها در سال ۲۰۱۲، ایران به تدریج وابستگی کمتری به درآمدهای نفتی در بودجه سالانه خود داشته و بیشتر بر مالیات و منابع غیرنفتی درآمد تمرکز کرده است. بر این اساس، پیش‌بینی می‌شود که سهم درآمدهای نفتی در تولید ناخالص ملی ایران در آینده به تدریج کاهش یابد.

در حالی که مطالعات موجود در مورد رانتیرسم نشان می‌دهد که کاهش وابستگی به

درآمدهای نفتی به معنای مشارکت کمتر در درگیری‌ها خواهد بود، این مطالعه استدلال می‌کند که این ممکن است در مورد ایران صادق نباشد. با وجود اینکه درآمدهای نفتی، کشورهای نفتی را به دنبال کردن سیاست خارجی قاطعانه تشویق می‌کند، اما رفتار لزوماً با تحول اقتصادی تغییر نمی‌کند، زیرا ممکن است ذهنیت رانتهی شکل بگیرد که در آن رژیم‌ها تمایلی به کمتر نشان دادن خود در عرصه ژئوپلیتیک نداشته باشند. دوماً، این احتمال وجود دارد که با کاهش تدریجی وابستگی اقتصاد کلان به شوک‌های خارجی بازارهای جهانی نفت، مشارکت در مناقشات به دلیل کاهش ریسک‌های مالی کم هزینه‌تر شود، هرچند که ناامنی و بی‌ثباتی سیاسی ممکن است منجر به کاهش صادرات غیرنفتی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شود. سوم اینکه، و مهمتر از همه در مورد ایران، اگر تنوع اقتصادی صادرات محور شود، به احتمال زیاد دولت برای جلوگیری از فروپاشی متحدان همسایه خود به دلیل عواقب اقتصادی گسترده‌ای که به دنبال خواهد داشت، درگیری‌ها (بسته به محاسبات نظامی) شرکت خواهد کرد.

سازهانگاری انتقادی ارائه شده در این مطالعه، رویکرد جامع‌تری به رفتار ایران به عنوان یک دولت رانتیر ارائه می‌دهد که در حال گذار از تحولات اقتصادی ساختاری است. این رویکرد به ما کمک می‌کند تا بفهمیم که چگونه سیاست‌گذاران در جمهوری اسلامی ایران محاسبات هزینه-فایده را هنگام تدوین سیاست‌های خارجی خود در بستر ساخت‌های اجتماعی آن‌ها از خود و دیگران انجام می‌دهند.

## منابع

- سهیلی نجف آبادی، سهیل؛ کشیشیان سیرکی، گارینه(۱۳۹۷). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران درقبال تحولات خاورمیانه (بیداری اسلامی) با تاکید بر بحران سوریه، تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ۱۰(۳۷)، ۵۲-۳۷.
- عباسی، مجید(۱۳۹۴). بحران سوریه تبلور نظریه واقع گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، رهیافت انقلاب اسلامی، ۹(۳۲)، ۸۵-۱۰۴.
- محمدی، سامان؛ ذاکریان، مهدی(۱۳۹۹). نقش هویت در شکل دهی و هدایت سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه، مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۳(۵۰)، ۱۵۵-۱۸۶.
- Ahmad Majidiyar(2017), Iran Expands Its Economic Sphere of Influence in Syria, September 13,, The Middle East Institute, Available at <https://www.mei.edu/publications/iran-expands-its-economic-sphere-influence-syria>
- Alexander L. George and Andrew Bennett(2005). Case Studies and Theory Development in the Social Sciences (The MIT Press).
- Andrew Bennett and Jeffery T. Cheekel(2012). Process Tracing: From Philosophical Roots to Best Practices. (Simon Fraser University).
- Ariel Jahner(2012). "Saudi Arabia and Iran: The Struggle for Power and Influence in the Gulf", International Affairs Review, Volume: XX, No: 3, Spring.
- Asher Susser(2015). "Iran and the Arabs: The Historical Shift in the Balance of Power", Strategic Assessment, Volume: 18, No: 3, October.
- Bill McSweeney(1999). Security, identity and interests: a sociology of international relations. Vol. 69.
- Goodarzi, Jubin M(2013). Syria and Iran: Alliance Cooperation in A changing Regional Environment, Middle East Studies 4(2) January, pp. 31-59.
- Imad Mansour(2008). "Iran and instability in the Middle East: how preferences influence the regional order." International journal 63, no. 4.
- Jamakoochi, K., Alizadeh, E., & Esfandabadi, H. M(2019). Analyzing the capacity of Iran non-oil exports to the region no. 2\* countries. iBusiness, 11(04), 57-65. <https://doi.org/10.4236/ib.2019.114006>
- Jutta Weldes(1996). "Constructing national interests," European Journal of International Relations 2, no. 3.
- Karin M Fierke(2007). Critical approaches to international security. Polity Press
- Kayhan Barzegar(2008). "Iran and The Shiite Crescent: Myths and Realities", The Brown Journal of World Affairs, Fall/Winter, Volume: XV, Issue: 1.

- Majid Rafizadeh(2016). Implications of the growing Iran-Syria economic relations, Friday 30 September, AL ARABIYA, Available at <https://english.alarabiya.net/views/news/middle-east/2016/09/30/How-Iran-is-gradually-owning-Syria-economically>
- Nader Ibrahim M. Bani Nasur(2014). "Syria-Iran Relations (2000-2014)", International Journal of Humanities and Social Science, Vol: 4, No: 12.
- Navvar Saban(2020). Factbox: Iranian influence and presence in Syria, THU, NOV 5, atlantic council, Available at <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/factbox-iranian-influence-and-presence-in-syria/>
- Salam Al-Saadi(2016). "Iran's Stakes in Syria's Economy", Sada (Carnegie Endowment for International Peace), June 2, 2015. Accessed May 22, <http://goo.gl/xqAyP5>
- Salam Al-Saadi(2014). "Mostawradat Soreyah Tartafe'e wa Iran Tohaymen," [Syria's imports increase and Iran dominates] Al-Modon, 14 November. Accessed May 22, 2016, <http://goo.gl/AMNHCx>
- Shaar, Karam(2019). The Syrian Oil Crisis: Causes, Possible Responses, and Implications, Middle East Institute, August 27, Available at, <https://www.mei.edu/publications/syrian-oil-crisis-causes-possible-responses-and-implications>
- <https://en.irna.ir/news/84129630/Official-Iran-exports-73m-worth-of-goods-to-Syria>
- <https://iransyriaeconomy.com/6808/%D8%A2%D9%85%D8%A7%D8%B1-%D8%B5%D8%A7%D8%AF%D8%B1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D8%B3%D9%88%D8%B1%DB%8C%D9%87-%D8%AF%D8%B1-%D8%B3%D8%A7%D9%84-13%DB%B9%DB%B9-%D8%A8%D9%87/>